

در انتظار آفتاب



دکتر حسین فریدونی

در انتظار آفتاب

(بجٹی پیرامون اصالت مہدویت)

دکتر حسین فریدونی



مؤسسہ نیا



کد کتاب : ۱۹/۷۶/۸۵
نام کتاب : در انتظار آفتاب
مؤلف : دکتر حسین فریدونی
تعداد : ۵۰۰۰ نسخه
چاپ اول : ۱۳۷۷
چاپ دوم : پائیز ۱۳۷۸
لیتوگرافی : بابک / ۶۴۶۴۱۰۲
چاپ و صحافی : رامین
بها : ۱۰۰۰ ریال
ناشر : مؤسسه فرهنگی نبأ
نشانی : تهران - خیابان کارگر شمالی - کوچه هما - پلاک ۶
تلفن و فاکس : ۸ و ۶۴۲۱۱۰۷، ۹۳۹۳۳۳

شابک : ۵-۳-۰۳-۶۶۴۳-۹۶۴-۵ ISBN 964-6643-03-5

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخن گفتن از مهدویت و ظهور یک منجی و مصلح که با قیام شکوهمندش جهان را دگرگون کرده، توحید و عدالت همگانی را در پهنه گیتی بگستراند، در واقع سخن گفتن از امید و پر کردن دلها از سرور و شادی است... سخن از آینده‌ای است که در آن از کفر و شرک و تبعیض و ظلم و استثمار، نشان و اثری باقی نخواهد ماند... سخن از نورانیستی است که بر جوامع بشری احاطه یافته، زندگی انسانها را درخشان خواهد نمود... سخن از اداره جهان است به دست توانای شخصیتی الهی و معصوم که یا به همراه داشتن دو سلاح مهم، یعنی علم و قدرت مافوق بشری، جهان را به سامان خواهد آورد و نابسامانیها را خواهد زدود و چهره فرو افتاده در بدبختیها و شقاوتها و تباهیهای جهان را به چهره‌ای شاد و سرزنده و شاداب از ایمان و سعادت و تقوا مبدل خواهد نمود.

آری؛ سخن از مهدویت، سخن از امیدی است که هرگز نخواهد

مرد و یادآور خورشیدی است که هیچگاه از دلها غروب و افول نخواهد کرد.

بلا تردید انسان زمان ما، با گفتگو و بحث از ظهور مصلحی دادگر، به فردایی دل خواهد بست که چندان دور نیست و احتمال آمدنش هر روز وجود می‌دارد.

اعتقاد و باور به بزرگ انقلابگری که همه انبیا به پیروان خویش مژده ظهورش را داده‌اند و هر کس به زبانی سخن از وصف وی گفته و به ویژگیهایی او را ممتاز کرده است، یکی از مشترکات همه ادیان الهی است. و از سوی دیگر اندیشمندان و متفکران سترگ نیز درباره امید به آینده و نیاز بشر به حکومت جهانی و راه رسیدن به جامعه ایده‌آل سخن گفته‌اند و نتایج دریافتهای ذهنی خویش را در دسترس انسانهای حق‌جو نهاده‌اند.

و لذا در کتب گوناگون آسمانی و غیر آسمانی نشانه‌های فراوانی از چنین مطلبی را می‌یابیم که قدر مشترک تمام آنها در این کلام خلاصه می‌شود:

جهان سرانجام به کام پارسایان خواهد گردید و چهره فعلی دنیا دگرگون خواهد شد.

برای آنکه این کلام بدون دلیل تلقی نگردد، ستیری سریع در مسأله مهدویت و ظهور منجی و مصلح خواهیم داشت. نخست از سوی متفکران و اندیشمندان بشر، و آنگاه از منظر ادیان به این قضیه نظر خواهیم افکند.

ظاهراً نخستین اندیشمندی که این مسأله، یعنی زندگی در محیطی ایده‌آل را مطرح ساخته « افلاطون » است. او تجسم این آرزو را در شهری خیالی به نام مدینه فاضله یا « اوتوپیا » بیان نموده است. خلاصه سخن او درباره مدینه فاضله، یعنی اجتماعی که در سطحی محدود تحقق بخش نیازهای انسانی است، چنین است:

اگر مردمان سادگی را در پیش گیرند، عدالت موضوعی سهل و ساده خواهد بود. و زندگی در چنین جامعه‌ای اینگونه است که این مردمان باید برای زیست خویش غله و نوشابه و لباس و کفش تهیه کرده و برای خود منازلی را بسازند. کافی است که در هنگام تابستان غالباً برهنه و بدون کفش کار کنند و در زمستان به قدر کافی کفش و لباس بپوشند. غذای آنها از جو و گندم خواهد بود که از این دو یا به صورت بریان شده و یا نان استفاده کنند. به این ترتیب خود و کودکانشان - با رعایت محدودیت در تولید مثل - به عیش و خوشی زندگی می‌کنند و از نوشابه‌هایی که خود ساخته‌اند استفاده می‌نمایند و تاجی از برگ گل درختان بر سر می‌گذارند و همواره سپاس خدای را می‌گویند. و به این ترتیب سالیان درازی را در صحت و آرامش حقیقی به سر می‌برند و پس از مرگ، یک چنین زندگی را که کمال مطلوب است، برای فرزندان خود به ارث می‌گذارند.

اما اینکه چرا تاکنون چنین اجتماعی به وجود نیامده است، علت آن حرص و آز مردم و تفنن و تجمل پرستی آنان است.

مردمان به زندگی ساده قناعت نمی‌کنند و سودپرست و جاه‌طلب و رقابت‌جو و حسود هستند. آنها از آنچه خود دارند زود سیر می‌شوند و در آتش حسرت آنچه ندارند می‌سوزند. در نتیجه طایفه‌ای به طایفه دیگر تجاوز می‌کنند و از همین رهگذر جنگ درگیر می‌شود. در این هنگام نقش حکام و زمامداران بسیار مهم خواهد بود. زیرا هر دسته و گروهی که بر مردم حکم برانند، این احتمال و خطر وجود دارد که آن جماعت و گروه در راستای تأمین منافع خود مشکلات تازه‌ای را به وجود آورده، برخوردها را تشدید نمایند. پس تنها راه هدایت اجتماع و تشکیل مدینه فاضله آن است که حکام و فرمانروایان از فلاسفه باشند.

این مطلب، یعنی برپایی جامعه سراسر عدالت، از سوی دیگر اندیشمندان نیز مطرح و پیشنهاد گردیده و طرحهایی مشابه افلاطون ارائه کرده‌اند. و از آن جمله «اسکار وایلد» نویسنده انگلیسی است که چنین عبارتی را بیان می‌نماید:

نقشه جهان نمایی که مدینه فاضله را نشان ندهد، حتی ارزش این را ندارد که به آن نگاه کنند. زیرا این نقشه مملکتی را که انسانیت در آن فرود آمده است کنار گذاشته است. هنگامی که انسانیت در چنین مملکتی فرود آمد، به اطراف نظر می‌اندازد و همینکه ناحیه بهتری پیدا کرد، کشتی خود را به

سوی آن می برد. پیشرفت، تحقق مدینه فاضله است. (۱)
اسکار وایلد معتقد است که انسانیت با وجود مدینه فاضله محقق
خواهد شد و بدون آن اساساً انسانی وجود نخواهد داشت، پس
برای آنکه پیشرفت را تحقق بخشیده باشیم، باید که مدینه فاضله را
بسازیم.

در مورد نگرانیهایی که بزرگان عرصه علم و فلسفه از وضعیت
نابسامان جهان و قرن پیشرفت تکنولوژی داشته‌اند و دلهره‌هایی که
نسبت به وقوع یک جنگ همه‌گیر دیگر با وسعتی وحشت‌انگیز و با
قدرت ویرانگر و اهریمنی سلاحهای هسته‌ای ابراز نموده‌اند، مسائل
فراوانی را می‌توان یافت. و از جمله آن مسائل اینکه: برای پیشگیری
از چنین حادثه‌ای هستی سوز چه باید کرد و چه تمهیدی باید
اندیشید؟

در پاسخ به این سؤال، متفکران بشری پاسخهایی داده‌اند که با
رعایت اختصار به آنها توجه می‌کنیم:

«راسل» فیلسوف انگلیسی نام‌آور معاصر، در کتابی تحت
عنوان «آیا بشر آینده‌ای هم دارد» چنین ابراز عقیده می‌کند:

شبحی بر ما سایه افکن است. گروهی مرغان وحشی دریایی
آرام در امتداد مدار قطب شمال پرواز می‌کنند و در پرده رادار

۱- لذات فلسفه - ویل دورانت.

شوروی یا ایالات متحده پدیدار می‌شوند. ^(۱) پرده رادار گروه مرغان را موشکهای طرف نشان می‌دهد. حکومت ایالات متحده و یا شوروی هر کدام بیدرنگ حمله انتقامی را آغاز می‌کنند. علاوه بر احتمال خطای بشری، همیشه احتمال خطای مکانیکی هم در کار است. مکانیسم ذی مدخل در این کار بسیار بفرنج است و پس از آنکه بمب افکنها بر اثر اشتباه روانه مقصد شدند، کسی نمی‌تواند تضمین کند که دستور فراخواندگی به موقع بدان برسد. اگر به موقع این دستور دریافت نشود، نژاد بشر از میان رفته است ... من در لحظه‌های تاریک ژوئیه ۱۹۷۱ به نوشتن مشغولم و نمی‌دانم نژاد بشر آنقدر دوام می‌کند که نوشته من منتشر یا در صورت انتشار قرائت شود یا نه. اما هنوز امیدواری هست. و تا امید وجود دارد، ناامیدی از بُزدلی است ...

این متفکر زمان ما که از وقوع جنگ سوم که منجر به از بین رفتن نژاد بشر می‌شود تا این اندازه هراسناک است، در کتاب دیگری که به نام «امیدهای نو در دنیای متغیر» ترجمه شده است چنین می‌گوید:

هر روز این احتمال هست که نائره جنگ سوم جهانی مشتعل شود. کسانی از ما که آرزو دارند جهانی را که بشر می‌تواند به وجود آورد ببینند، نباید اگر جنگ سوم هم روی داد از امید و ایمان خود دست بردارند. وظیفه ما این است که هر قدر هم

۱- این سطور سالهایی قبل از تجزیه شوروی نگاشته شده است.

ظلمت و ماتم و غم بر جهان مستولی شود، امید خود را زنده نگاه داریم و افکار خود را علی‌رغم بدبختیهای حال، متوجه آینده کنیم.... پس موجبات جنگ را باید از میان برد و بهترین راه حل آن است که دولتهای مختلف و متعددی وجود نداشته باشند تا میان آنها جنگی درگیرد. ترتیبی باید داد که دولتهای متعدد از بین رفته و تمام خلق دنیا یک کاسه و یکجا اتباع یک حکومت واحد جهانی گردد.... هماهنگی ملتها تا آنجا برسد که همگی هدفشان تأسیس یک حکومت جهانی باشد.... مادام که دولت جهانی تشکیل نشده، وقوع جنگهای عظیم اجتناب ناپذیر است.

می‌بینیم که آقای راسل بزرگترین گرفتاری بشر و جنگ و عظیمترین نیاز او را صلح می‌داند و برای بسط و جایگزینی صلح در اجتماعات بشری، تنها راه حل را تشکیل یک حکومت جهانی واحد و تسلیم شدن انسانها در پهنه گیتی به آن حکومت می‌داند. سیاستمدار و دانشمند فقید هند «جواهر لعل نهرو» هم در این عرصه وارد شده و چنین امید بخشی می‌نماید:

در دنیایی که پر است از کشمکش و نفرت و خشونت، اعتقاد بستن به سرنوشت انسانی ضروریتز از هر زمان دیگر است. هر گاه آینده‌ای که ما برای آن کار می‌کنیم سرشار از امید برای بشریت باشد، نابسامانیهای دنیای کنونی چندان اهمیتی

ندارد و کارکردن برای آن آینده دارای حقانیت است. (۱)
و فیلسوف انگلیسی به نام « بنتام » برای به سامان رسیدن
نابسامانیهای زمانه ما اینگونه راهنمایی می کند:

اگر بتوان این چهار نوع حقوق یا قانون (حقوق طبیعی
یا قانون طبیعت ، حقوق اخلاقی یا قانون اخلاق ، حقوق
سیاسی یا قانون دولت ، حقوق مذهبی یا قانون دین) را با
یکدیگر ترکیب کرده و مبدل به یک کد واحد نمود ، مسلماً
بشر به عالیترین نقطه کمال خواهد رسید. (۲)

مراد بنتام آن است که از پراکندگی و تنوع قوانین گوناگون باید
اجتناب نمود و اینهمه تشتت و تنوع را به کناری نهاد و همه را
یکپارچه و یک کاسه کرد و در چنین صورتی است که بشریت در
منتهای سعادت زیست نموده ، به عالیترین نقطه کمال خواهد رسید.
متفکر دیگر به نام « هندریک ، و « وان لون » چاره و درمان
بیماریهای انسانیت را چنین بیان می دارد :

مقصود از تمام بیانات این است که دنیا احتیاج شدید به
اشخاصی دابره که بتوانند سگان و زمام اختیار کشتی تمدن را
در دست بگیرند . این اشخاص باید با جرأت و ایمان باشند و
بدانند که نوع بشر تازه در ابتدای مسافرت خویش است و
برای رساندن کشتی به بندر مراد باید به سبک و شیوه جدید

۱- پیام یونسکو آبان ماه ۱۳۴۸ .

۲- تاریخ فلسفه سیاسی ج ۳ ص ۹۳۰ .

کشتیرانی آشنایی حاصل نمایند. این اشخاص باید مدتی در مدرسه زمانه شاگردی نمایند و به زور بازو راه خود را هموار ساخته، خود را به جلو کشتی که محل حکمفرمایی ناخدایان است برسانند. احتمال هم می رود که ملاحان و زیردستان بیخرد و ناراضی از اطاعت اوامر آنها سرپیچیده، آنها را به قتل برسانند، ولی عاقبت روزی می رسد که ناخدای بزرگی کشتی را به مقصد می رساند و در تاریخ نوع بشر به نام قهرمان بزرگ بنی نوع انسان مشهور خواهد گردید. (۱)

پروفسور «آرنولد توین بی» مورخ معروف و فیلسوف نامور انگلیسی، ضمن نطقی در کنفرانس صلح نیویورک گفت:

تتها راه صلح و نجات بشر، تشکیل یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاحهای اتمی است.

یکی از شگفت ترین اظهارنظرها، مطلبی است که فیلسوف بسیار مشهور فرانسوی «ژان پل سارتر» بیانگذار نوین اگزیستانسیالیزم در مصاحبه ای که با وی به عمل آورده اند اظهار داشته است. در این کتاب که تحت عنوان «آنچه من هستم» ترجمه شده، چنین می خوانیم:

برای اینکه توافق اجتماعی حقیقی ایجاد شود، باید هرکسی کلاً برای همسایه اش وجود داشته باشد و همسایه اش نیز کلاً برای او. و این امر امروزه تحقق پذیر نیست. اما به عقیده من

هنگامی که دگرگونیهای اقتصادی و فرهنگی و عاطفی میان مردم ایجاد شد، این امر نیز تحقق خواهد یافت. ابتدا با حذف کمبودهای مادی که به نظر من اساس کلیه تضادهای دیروز و امروز آدمیان است، آن روز هم بی شک تضادهای تازه‌ای در بر خواهد داشت، تضادهایی که در تصور من و هیچکس دیگری نمی‌گنجد، اما مانع ایجاد اجتماعی نخواهد بود که در آن هر کس خود را به تمامی تسلیم کسی کند که خود را تسلیم او خواهد کرد. چنین جامعه‌ای مسلماً جامعه جهانی خواهد بود.

سارتر بدون آنکه اعتقادی به مذهب و آیینی داشته باشد، در این مصاحبه، جهانی بدون تراحم و تضاد را ترسیم می‌کند که همه چیز از آن همه کس بوده و در آن جهان انسانها در برابر یکدیگر حالت ایثارگری خواهند داشت.

«زاینده رانات تاگور» شاعر اندیشمند هندی، در این ارتباط چنین عنوان داشته است:

اکنون من مرتکب این گناه نمی‌شوم که اعتقادم را نسبت به انسان از دست بدهم و شکست کنونی بشریت را شکست نهایی بشمارم. من به آینده می‌نگرم و زمانی را در نظر می‌آورم که این فاجعه عظیم به پایان می‌رسد و زمانی را در نظر می‌آورم که تاریخ ورق می‌خورد و آسمان دوباره سبک می‌گردد و از شهوات تهی می‌شود. شاید سپیده این صبح روشن فردا از افق شرق برخیزد که خورشید نیز از آنجا

می‌دمد. در آن هنگام انسان شکست نایافته میراث از چنگ
رفته خود را دوباره به چنگ خواهد آورد.

آری؛ با وجود تمامی دشواریها و مشکلات و تیرگیها در زندگی
کنونی، نباید امید را از دست داد. چرا که در پس این شب تاریکی
روشن تجلی و ظهور خواهد کرد و این ظهور از مشرق زمین خواهد
بود.



چندین سال پیش یک روانشناس ایرانی با اشتیاقی فراوان به
ملاقات جامعه‌شناسی بزرگ دست می‌یابد. این جامعه‌شناس نامور
قرن بیستم کسی نیست جز «پتریم الکساندروویچ سوروکین». وی
در انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷ در روسیه از همکاران لنین به شمار
می‌رفت و در به ثمر رساندن انقلاب سوسیالیستی نقشی بزرگ را ایفا
می‌کرد. ولی پس از استقرار سوسیالیسم در روسیه، مخالفت‌های وی با
خودکامگیها و ستمها و قتل‌های سردمداران آن رژیم آغاز می‌شود و او
را به جرم این مخالفتها، با تخفیف در مجازات، از روسیه به آمریکا
تبعید می‌نمایند. و در آمریکا از او استقبال شده، و برای تدریس
کرسی جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های هاروارد و مینه‌سوتا از وی
دعوت به عمل می‌آید که در آنجا نیز به خاطر بیان حقایق مورد
بیمهری قرار می‌گیرد. و سرانجام به علت ابتلا به بیماری سرطان ریه
در دهم فوریه ۱۹۶۸ از دنیا می‌رود.

به هر حال این جامعه‌شناس، اندیشمندی است پرآوازه که دو
مسلك و ایدئولوژی را به چشم خویش دیده و دو نوع زندگانی

اجتماعی را شاهد بوده و در هر دو کشور روسیه شوروی سابق و آمریکا تدریس نموده است و فردی است که دنیا سخنانش را ارج فراوان می‌نهد. اینک برخی از سخنان او را در مصاحبه با آن روانشناس ایرانی که در کتاب «خداوند دو کعبه» آمده است ذکر می‌نمایم:

در ارزیابی تمدن مادی، ما باید بدانیم که آن هرگز بهترین و کاملترین نوع تمدن بشری نیست؛ خالی از نقصها و عاری از نارساییها نیست. ضمناً در راهی هم که گام نهاده است در آن حد کمال نهایی کافی و جامع مادی وجود ندارد. راهش به بن بست می‌خورد مگر آنکه از خشونتها، نابیناییها و انکارهای خود بکاهد. و این کاستن جز با پیوند داشتن با موالید و گرایشهای فرهنگ مذهبی و معنوی میسر نیست. چون تمدن معنوی و فرهنگ مذهبی نیز در حد خود از برناییها و آفرینندگیهای پر ارزش و دلربایی برخوردار بوده و هست.

این دانشمند پس از اعلام تأثر و افسوس خویش از آنچه در دو قطب بزرگ جهان ما می‌گذرد، در عین حال از امید خویش نسبت به آینده بشر دست بر نمی‌دارد و جالب آنکه برای ادیان بزرگ نسبت به آینده نقشی بسیار با اهمیت و قابل ملاحظه قائل است. به برخی از سخنان وی در این زمینه و از همان کتاب توجه فرمایید:

در این آینده با شکوه، همچنانکه علم و فلسفه نقشی به عهده دارند، ادیان بزرگ را نیز سهمی بس گرانقدر است.

همواره در گذشته هنگام فرو ریخت کاخ فرسوده تمدنهای
مادی، طلایه امیدبخش فرهنگی معنوی و مذهبی، از رنج
انتظار مردمی که در شوق جهانی بهتر سوخته‌اند آشکارا
کاسته‌اند. ادیان بزرگ عموماً، همه در دوره‌های نهایی
بحرانهای عمیق تمدنهای مادی پدید آمده‌اند. رستاخیز این
ادیان، با عرضه داشت ارزشهای معنوی تازه و یا تحکیم
مبانی ارزشهای روحانی بست شده، در برابر مادّیگری
افراطی فرهنگ منحط زمان خود بوده است.

آری؛ اینچنین است که اندیشمندان راه نجات بشر را از
مخمسدهای کنونی و گرفتاریهای فعلی، تشکیل یک حکومت واحد
جهانی که در آن بحث بهره‌وری و بهره‌کشی انسانها از انسانها مطرح
نیاشد، عنوان داشته‌اند و به عنوان یک عامل بسیار مهم در اداره
چنان حکومتی، از آیین و مذهب نام برده‌اند. و این همان سخنی
است که کلیه ادیان الهی در آثار خویش به آن ناطقند و پیروان
خویش را به چنان سعادت‌ی توید داده‌اند.

و به تعبیر دیگر، آنچه صاحب‌نظران و اندیشمندان دلسوز بشر پس
از تفکر و اندیشه و تجربه‌های تاریخی به آن دست یافته‌اند، ادیان
بزرگ الهی عموماً و آیین مقدّس اسلام خصوصاً، در موارد گوناگونی
مژده و بشارت تحقق و وقوعش را داده‌اند که در قسمت بعدی این
نوشته به آن خواهیم پرداخت.

ادیان و مهدویت

همه انبیا و ادیان الهی به شهادت آثار باقیمانده، به پیروان خویش بشارت و مژده آمدن روزی را داده‌اند که در آن روزگار جهان به کام اهل صلاح و ایمان گردیده، ناپسامانی و فساد و بیدادگری از جهان رخت بریندد. نهایت آنکه ادیان به تناسب قدمتشان، دستخوش تغییر و تحریف و دگرگونی قرار گرفته و دست بشر در محتویات آنها راه یافته است. به همین دلیل هر چه بیشتر به عقب برمی‌گردیم، اصالت آثار بر جای مانده از ادیان بیشتر مخدوش می‌گردد. ولی به هر حال از جمله امور مشترک و مسلمی که در تمامی ادیان آسمانی وجود دارد، همین مسأله اعتقاد به ظهور منجی و مصلح است؛ یعنی اعتقاد به شخصیتی الهی که با نیروی مافوق الطبیعه خود چهره جهان را دیگر کند و انسانیت را تحوّل نو عنایت نماید.

گرچه این موعود در زبان ادیان به نامهای گوناگون نامیده شده است، ولی کاری که انجام خواهد داد و تحوّل که ایجاد خواهد نمود، در همه کتب به یک شکل و با یک مضمون آورده شده است. در آغاز این بحث به دین ایران باستان عنایت می‌کنیم؛ یعنی آیین حضرت زردشت که قطعاً در آغاز آیینی توحیدی بوده ولی در گذر ایام و زمانه توسط حوادث گوناگون دستخوش تغییرات و تحریفات فراوانی واقع شده است.

در کتب مقدسه منسوب به آیین زردشت ، به امور و مسائل فراوانی درباره مصلح عالم برخورد می کنیم که خلاصه و ماحصل آن این است که نبرد دائمی ما بین نیکی و بدی - یا سپنتامینو وانگره مینو - به پایان نخواهد رسید مگر به ظهور شخصیتی بزرگوار به نام سائوشیانس و یا سائوشیانت پیروزگر و اوست که به دست توانایش عدالت و راستی و نیکی را بر پهنه زمین گسترده خواهد نمود و بشریت را از اینهمه نابسامانی و ظلم و ستم و زشتی خواهد رهانید . در این مورد به عباراتی از کتب مقدسه زردشتیان توجه فرمایید :

کی مزدا سپیده رخشان پیروزی جهان را در بر خواهد گرفت ؟ کی رخسندگی آفتاب دین همه جا را تابان خواهد ساخت ؟ کی سوشیانت ها فراوانی و زیادگی خواهند یافت تا از پرتو کار و کردارشان دین گسترده شود ؟ (۱)

و نیز در یشت ها که قسمتی از اوستاست چنین می خوانیم :

فر کیانی نیرومند مزدا آفریده را می ستاییم ... هنگامی که آشتوت - اِرته (یکی از سه پسر آینده زرتشت می باشد) از مادرش اِرِدَت - فِذری زاده می شود و موسوم است به سئوشیئته که در آخر زمان ظهور می کند و با ظهور او رستاخیز مردگان شروع شده و عمر جهان به سر می رسد .

و در کتاب زند که از کتب مذهبی زردشتیان است نیز اشاره به انقراض اشرار و وراثت صلحا نموده گوید :

لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند. چنه، در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند. و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند. و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.

پس بر حسب مندرجات کتابهای مقدس زردشتیان، به دست توانای سوشیانس پیروزگر سرانجام لشکر اهریمنان هزیمت کرده و سپاه ایزدان جهان را خواهد گرفت. و جالب آنکه زردشتیان دعایی دارند به نام دعای زود آمدن سوشیانس که جهت تسریع در آمدن این شخصیت آن را می خوانند.

در کتابهای مذهبی هندو نوشته شده که :

در اواخر دوران چهارم، مردم روی زمین به فساد گراییده و بیشترشان کفر ورزیده و مرتکب گناهان بسیار شوند و فرومایگان به تامداری رسیده و پسان گرگ درنده به جان دیگران می افتند و هر چه را به دست بیاورند به یغما می برند. کاهنان و روحانیان هم مانند آنها فاسد می گردند و اکثریت با دزدان می شود و مردم پرهیزکار و پارسا همه جا مورد تحقیر

و اهانت قرار می گیرند. آنگاه شخصیتی بنام « برهمن کلا »
- به معنی روحانی نیرومند - با شمشیر آخته و با نیروی
مقاومت ناپذیر مفسدان را از میان برمی دارد و زمین را از
پلیدیها پاک می سازد و نیکان و پاکان را باقی می گذارد تا به
تناسل ادامه دهند. (۱)

و نیز در کتاب « بهگود گیتا » (نغمه آسمانی) از کتابهای مذهبی
هندو آمده است :

وقتی که تقوا و عدالت از میان مردم برود و گناه شیوع یابد،
من خود در دنیا ظاهر می شوم برای حفظ خوبیها و هلاک
بدکاران و استقرار عدالت و پرهیزکاری. (۲)

البته مراد از آمدن « من » ممکن است آمدن بزرگواری باشد که از
سوی خدا می آید و قدرت و توان او از خدا نشأت می گیرد و به دست
توانمندش ریشه فساد را از زمین برمی کند.
در بیان منسوب به حضرت ادریس پیغمبر آمده :

در عصر ظهور مصلح عالم چنان برکات آسمانی و زمین
را نازل می کنم که زمین از جهت خوب بودن نباتات
درخشندگی خاصی پیدا می کند. تمام میوهها و انواع گیاهان
خوشبو به دست می آید. و بین مردم الفت و محبت ایجاد
می کنم چنانکه همه با هم مساوی گردند و ارزاق بین آنان

۱- از کتاب ماللهند ص ۳۲۱.

۲- مقدمه اوپانیشاد.

به طور مساوات تقسیم شود، به نحوی که فقیر بی نیاز شود. و دیگر کسی بر کسی برتری نمی جوید و بزرگی نمی کند. بوداییان نیز (اگر بودا را پیامبر بدانیم که البته این مطلب احتمالش بسیار بعید است) همانند دیگر امتهای معتقدند که در آخرالزمان، بزرگی تحت عنوان بودای پنجم ظهور کرده، جهان را از حیطة ظلم و ستم به سوی عدالت و دادگری خواهد کشاند.

واما در کتابهای آسمانی دیگر که به نامهای عهد قدیم و عهد جدید موسوم است، از پیامبران گوناگون چون داوود و اشعیا نبی و حضرت عیسی مسیح علیه السلام مطالبی که آینده روشن بشریت را نوید می دهند آمده. و عجیب آنکه این بشارات با موعود اسلام یعنی حضرت حجة بن الحسن علیه السلام و نیز آمدن حضرت عیسی مسیح علیه السلام کاملاً تطابق دارد.

در زبور یا مزامیر داوود علیه السلام دو بشارت است که به ترتیب آن دو بشارت را ذیلاً می آوریم:

به سبب شریران خویش را مشوش ساز... زیرا که مثل علف بزودی بریده می شوند... و پر خداوند توکل نما و نیکویی بکن... زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود... هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود... و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی و سلامتی متلذذ خواهند گردید... شریران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده اند تا مسکین و فقیر را بیندازند و راست روان را مقتول سازند... شمشیر ایشان به بدن خودشان

فرو خواهد رفت و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد ... زیرا
که بازوی شریران شکسته خواهد شد و اما صالحان را
خداوند تأیید می کند ... زیرا شریران هلاک می شوند. (۱)
در این بشارت واضح می گردد که بدکاران و شریران از بین رفته و
حلیمان و منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود و سرانجام
صالحان با تأیید خداوندی پیروز خواهند گردید .
و اما در بشارت دیگر در مورد فراوانی سلامت و وفور نعمت و
نجات دادن فرزندان فقیر و زبون ساختن ظالمان ، مطالب جالبتر و
جامعتری در همین مزامیر داوود آمده است به شرح ذیل :

ای خدا ، انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به
پسر پادشاه . و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و
مساکین تو را به انصاف . آنگاه کوهها برای قوم سلامتی را باز
خواهند آورد و تلها نیز در عدالت مساکین قوم خود را
دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و
ظالمان را زبون خواهد ساخت . از تو خواهند ترسید مادامی
که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات .
او مثل باران بر علفزار چیده شده فرو خواهد آمد و مثل
بارشهایی که زمین را سیراب می کند ، در زمان او صالحان
خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود . و او حکمرانی
خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان . به

حضور وی صحرائشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او
خاک را خواهند لیسید. پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا
خواهند آورد. پادشاهان شبا و سبا ارمغانها خواهند رسانید.
جمع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امتها او را
بندگی خواهند نمود. زیرا چون مسکین استغاثه کند او را
رهایی خواهد داد و فقیران را که رهاننده ندارد. بر مسکین و
فقیر کرم خواهد فرمود... و فراوانی غله در زمین بر قلّه کوهها
خواهد بود. (۱)

بدون کمترین تردیدی، از این بشارات گسترش یک حکومت
جهانی بلامنازع استفاده می‌شود به گونه‌ای که تمام زمین مطیع و
مسخر یک فرمانده واحد خواهد گردید و زمانی خواهد رسید که
صالحان خواهند شکفت و سلامتی به وفور یافت شود. و قدر مسلم
آنکه این حکومت به دست توانمند شخصیتی استقرار خواهد یافت که
عظمتش با هیچیک از پیامبران و بزرگان قابل مقایسه نیست. و تمام
بشارتها نیز به صیغه آینده بیان گردیده و اینچنین فرّ و عظمت و
شکوهی تا کنون در زمین در هیچ زمانی موجود نگردیده است.

لذا با توجه به وسعت و عظمت قضیه از یک سو، و به وجود
نیامدن چنین حکومتی تا کنون از سوی دیگر، براحتی می‌توان این
مطلب را دریافت که بشریت در آینده شاهد وقوع چنین رخدادی
عظیم خواهد گردید؛ حکومتی که به دست توانمند آخرین حجّت خدا

و واپسین امام راستین تشکیل شده و در آن صالحان وارثان زمین خواهند شد.

در کتاب اشعیاء نبی از کتابهای منضمّه تورات نیز چنین می‌خوانیم:

و نهالی از تنه یسی^(۱) بیرون آمده و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس خداوند... مسکینان را به عدالت دآوری خواهد کرد و در جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریبان را به نفخه لبهای خود خواهد کشت. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. گرگ با برّه سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد بود و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. (۲)

آنچه را از آیات مذکور استنباط می‌گردد، می‌توان به صورت ذیل

۱- یسی به معنی قوی پدر حضرت داوود بود.

۲- اشعیاء نبی باب ۱۱ آیات ۹-۱.

خلاصه نمود :

۱- شخصیتی عظیم الشان از فرزندان حضرت داوود علیه السلام ظهور خواهد کرد .

۲- او مورد عنایت خاص خداوند است به گونه‌ای که روح حکمت و فهم و مشورت و قوت و معرفت و ترس از خداوند بر او قرار خواهد گرفت .

۳- در داوری بی نظیر خواهد بود .

۴- سلوک او با عدالت و امانت همراه است .

۵- در زمان وی آنچنان عدالت استقرار می‌یابد که دشمنان قطعی و جیلی چون گرگ و بزه و پلنگ و بزغاله ، گوساله و شیر و گاو و خرس با هم زندگی خواهند کرد .

مسلم است که این بشارات جز بر وجود مقدس آخرین پیشوای الهی حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداء منطبق نیست . زیرا آن بزرگوار از سوی مادر والایبارش نرگس خاتون نسبش به حضرت داوود علیه السلام می‌رسد . و نکته دگر آنکه در هیچ یک از ادوار بشری شخصیتی با چنان قدر و منزلت و با اینهمه امتیاز و کرامت الهی ظاهر نشده که بتواند عدالتی با این گستردگی و وسعت را در پهنه گیتی به وجود آورد و چنین زندگی ایده‌آلی را برای انسانها فراهم نماید .

در اناجیل فعلی نیز علاوه بر آنکه از بازگشت حضرت مسیح به صورتی قطعی و یقینی گفتگو به عمل آمده است - که این مطلب در منابع اسلامی نیز موجود است که به هنگام ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام حضرت عیسی مسیح علیه السلام آمده ، در پشت سر حضرت

مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند - مطالبی دیگر نیز به صورتی مجزا و مستقل از رجعت حضرت عیسی علیه السلام در این کتاب وجود دارد که برای نمونه به یکی از آنها اشاره می‌کنیم :

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدّس خویش آید ، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند به قسمی که شبان میش‌ها را از بزها جدا می‌کند . (۱)

از آنجا که بشارت دهنده خود عیسی مسیح علیه السلام است ، پس پسر انسان نمی‌تواند آن بزرگوار باشد و قطعاً مراد شخص دیگری است که در آینده‌ای خواهد آمد و به‌گاه آمدنش تمام امتها در حضور وی جمع شوند و آمدن وی با شکوه و جلال هر چه تمامتر بوده و فرشتگان نیز در محضرش حاضر آیند . و این بزرگوار و صاحب شخصیت عظیم « پسر انسان » که « بر کرسی جلال خواهد نشست و تمام امتها در حضور او جمع شوند » کسی نیست جز موعود اسلام و جهان و ادیان حضرت بقیه‌الله صاحب العصر والزمان .

آنچه از این بررسی فوق‌العاده اجمالی روشن شد آنکه وعده‌های تمام انبیای عظام الهی ، دائر و ناظر به گسترش و بسط توحید و عدالت و آزادی و فراوانی نعمت و بهره‌وری مناسب از زندگانی و حیات و سرسبزی جهان و ... می‌باشد و این وعده‌ها به دست با کفایت یک بزرگمرد الهی و شخصیتی که مؤید به تأییدات خداوندی

است محقق خواهد گردید . این بزرگوار در ادیان گوناگون و مکاتبی که رنگ دین گرفته‌اند ، چنین نامگذاری و یا تعبیر شده است :

۱- سوشیانیس پیروزگر از نظر زردشتیان .

۲- بودای پنجم از نظر بودائیان .

۳- برهمن کلا از دیدگاه برهمنیان .

۴- نهالی از تنه یسوی و پسر پادشاه در زبور حضرت داوود .

۵- پسر انسان از نظر مسیحیان .

اکنون زمان آن است که این بحث را از نظر آیین مقدس اسلام عموماً و از دیدگاه تشیع خصوصاً دنبال کنیم .

مهدویت از نظر منابع اسلامی

همانگونه که می‌دانیم در اسلام دو مرجع جهت اخذ مسائل مذهبی وجود می‌دارد . و این دو مرجع همانها هستند که رسول اکرم (ص) در حدیث بسیار معروف و متواتر ثقلین به این مضمون معرفی‌شان فرموده‌اند :

« مردم ، من از میان شما می‌روم ولی دو چیز ارزشمند و گرانبها را در میان شما به یادگار می‌گذارم . و این دو چیز عبارتند از کتاب خدا یعنی قرآن کریم و اهل بیت . و این دو هرگز از هم جدا نشوند تا آنکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند . و هر که به این دو چنگ زند هرگز گمراه نشود . »

بنابراین در زمینه موعود و مصلح جهان نیز باید به سراغ این دو مرجع رفت و اصالت آن را از طریق آیات قرآن و احادیث و روایات صحیحه معصومان سلام الله علیهم اجمعین دریافت.

آیات قرآنی در مورد مهدویت :

الف) « خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند ، چنین وعده فرموده که ایشان را در روی کره زمین خلافت بخشد ، همانگونه که پیشینیان دارنده این صفت را خلافت بخشید ، و دین پسندیده خود را برای ایشان بر همه ادیان عالم پیروزی عنایت فرماید و ترس و هراس آنان را به امنیت و آرامش خاطر تبدیل فرماید . پس از این رخدادهای فقط مرا عبادت کنند و هرگز به من شرک نورزند . هر که پس از این امور کافر شود ، به حقیقت از بدکاران خواهد بود . » (۱)

در این آیه پروردگار متعال چند وعده را نسبت به آینده بیان فرموده است :

- ۱- خلافت و زمامداری مؤمنان و دارندگان اعمال شایسته .
- ۲- جهانی شدن اسلام علوی و پیروزی یافتن این آیین بر همه ادیان جهان .
- ۳- تبدیل شدن ترس و هراس مؤمنان به امنیت و آرامش خاطر .

۴- گسترش توحید و یکتا پرستی در پهنه و صحنه گیتی .

با نگاهی ولو به اجمال در می یابیم که هیچ زمانی پس از رسول مکرم اسلام و نزول وحی را نمی توانیم در تاریخ اسلام سراغ بگیریم که این وعده ها در آن محقق گردیده باشد . و از آنجا که این وعده ها از سوی خدای متعال داده شده و مطمئناً خلاف نخواهد شد ، پس بشریت عموماً و اهل ایمان و عمل صالح خصوصاً ، باید روزی را شاهد باشند که در آن روز این وعده های چهارگانه محقق شده باشد . تحقق وعده های داده شده در این آیه ، با قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام صورت خواهد پذیرفت و توحید و امتیت خاطر و آرامش و پیروزی اسلام بر همه ادیان ، به دست با کفایت آن بزرگوار خواهد بود . چنانکه در تفسیر صافی از امام سجّاد علیه السلام نقل گردیده که می فرماید :

« مؤمنان در آیه - به خدا قسم - شیعیان ما اهل بیت می باشند که خداوند وعده داده است به آنها و آن را به دست مردی از ما که مهدی این امت است انجام خواهد داد . »

ب (« و می خواهیم بر کسانی از شما که در زمین ضعیف گردیده اند منت گذاشته و ایشان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم . »)^(۱)

در این آیه نیز پروردگار مهربان اراده قطعی خویش را دائر بر

نجات مستضعفان بیان می‌فرماید که سرانجام بر ایشان منت نهاده و آنان را رهبران و وارثان زمین خواهد گرداند. و می‌دانیم که چنین امری تاکنون واقع نگردیده است و وعده خدا هم تخلف پذیر نیست. بنابراین زمین باید روزی را شاهد باشد که ارث برندگانش مستضعفان باشند.

از حضرت علی علیه السلام در بحار الانوار حدیثی در ذیل آیه فوق آمده به این شرح:

« کسانی که در روی زمین ضعیف گشته‌اند آل محمدند. و خدای تعالی مهدی ایشان را مبعوث نموده، ایشان را عزیز خواهد گرداند و دشمنانشان را ذلیل خواهد فرمود. »

(ج) « اوست خدایی که پیامبرش را با مشعل هدایت و دین حق فرستاد تا آنکه آن دین را بر همه ادیان برتری بخشد گرچه کافران و حق‌پوشان و مشرکان از این مسأله کراهت داشته باشند. »^(۱)

در این آیه خدای متعال وعده فرموده است که آیین مقدس اسلام و شریعت حضرت رسول اکرم (ص) را بر همه ادیان پیروز و غالب فرماید و این مطلب حتماً واقع خواهد شد ولو آنکه مشرکان آن را ناخوش بدارند. و ما می‌دانیم که از زمان پیدایش این آیین آسمانی چنین روزگاری را مسلمانان به خود ندیده‌اند که دین مقدس اسلام بر تمام ادیان چیره گردد و در پهنه گیتی حکومت نماید. لذا شکی باقی نمی‌ماند که این وعده همانند دیگر وعده‌های خدای سبحان محقق

خواهد شد و بشریت روزی را شاهد خواهد بود که نور درخشنده
آیین خدا سراسر گیتی را روشن نماید. و تأیید بر این برداشت روایتی
است که از حضرت باقر علیه السلام در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه شریفه
آمده است :

« این وعده به هنگام ظهور مهدی از آل محمد (ص) خواهد
بود. پس کسی باقی نمی ماند مگر اینکه اقرار به رسالت و
نبوت رسول اکرم، حضرت محمد (ص) خواهد کرد. »

در کتاب « کمال الدین » شیخ بزرگوار صدوق از حضرت
صادق علیه السلام روایت شده که :

« نازل نگردیده تاویل این آیه و نازل نخواهد شد تاویل آن
تا قائم آل محمد (ص) قیام کند. پس چون قیام کرد نه کافری
باقی خواهد ماند و نه کسی که مشرک به امام باشد. مگر
اینکه از خروج وی ناراحت باشد. »

(د) « هر آینه در کتاب زبور که پس از تورات فرو فرستاده شده چنین
مقرر کردیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد. »^(۱)
این آیه شریفه مؤده می دهد که چنین نخواهد ماند که جهان
همواره به کام فاسدان و تبهکاران و جائیان باشد، بلکه زمانی خواهد
رسید که بندگان صالح خدا صاحب و وارث این زمین خواهند گردید.
این مهم به دست توانای حضرت ولی عصر ارواحنا فداه انجام
خواهد پذیرفت. چنانکه در تفسیر صافی از تفسیر علی بن ابراهیم

تقل می‌کند که بندگان صالح در آیه حضرت قائم علیه السلام و اصحاب
آن حضرت می‌باشند. و در مجمع البیان چنین آمده که امام باقر علیه السلام
فرمودند:

« بندگان صالح در آیه اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان
می‌باشند. »

نگاهی به مهدویت از طریق اهل سنت

در کتب بسیار معتبر اهل سنت احادیث فراوانی درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام می یابیم که به عنوان نمونه به برخی از آنها توجه می کنیم :

در صحیح « ترمذی » از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین می خوانیم :

« دنیا و زمانه به پایان نخواهد رسید تا آنکه مردی از فرزندان من بر جهان حکومت نماید که نامش مطابق نام من باشد. »

این حدیث با مختصری اختلاف در کتاب مستند امام احمد حنبل نیز از رسول خدا (ص) نقل گردیده است.

در « سنن ابن ماجه » قزوینی از رسول خدا چنین روایت گردیده است :

« اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آنقدر طولانی خواهد فرمود تا مردی از خاندان من حکومت نماید. »

در کتابهای دیگر بزرگان از علمای اهل سنت و جماعت به دنبال ذکر این روایت فوق، این مطلب نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و

آله اضافه گردیده است :

« نام او نام من و کنیه او کنیه من است . و او جهان را از عدالت و دادگری آکنده سازد همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد . »

جالب آنکه برخی از ناموران عامه چنین مطلبی را از پیامبر اکرم نقل کرده‌اند که فرمود :

« مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه (ع) است . »

و از جمله راویان این حدیث جناب ام سلمه همسر صالحه رسول خداست که فرزند فاطمه بودن حضرت مهدی علیه السلام را از قول پیامبر نقل می‌نماید . حدیث فوق در دو کتاب معتبر اهل سنت و جماعت یعنی سنن ابو داوود و سنن ابن ماجه قزوینی آمده است .

همچنین برخی از علمای اهل تسنن درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام کتابهای مستقلی را تألیف نموده‌اند . از آن جمله‌اند :

- حافظ ابو نعیم اصفهانی : الاربعین : مناقب المهدی و نعت المهدی .

- حافظ یوسف گنجی شافعی : البیان فی اخبار صاحب الزمان .

- حماد بن یعقوب : اخبار المهدی .

- جلال الدین سیوطی : علامات المهدی .

و خلاصه کلام آنکه دانشمندان اهل سنت و جماعت ، متجاوز از ۵۰۰ حدیث در پیشتر از « ۶ کتاب خود در این زمینه آورده‌اند . و بنابراین مسأله ظهور مصلح و منجی عالم از استحکامی بسیار بالا برخوردار می‌شود ، به نحوی که می‌توان گفت کمتر مسأله‌ای از

مسائل اسلامی از چنین قاطعیت و استحکامی برخوردار باشد.

آری؛ مطالعه و بررسی کتب اهل سنت و جماعت و نیز تفحصی نه چندان پردامنه در اعتقادات برادران غیر شیعی از مسلمانان، این مطلب را بروشنی اثبات می‌نماید که اعتقاد و باور عمومی در میان آنان چنین است که در آخرالزمان شخصیتی از فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا سلام الله علیها به دنیا آمده و پس از مدتی به فرمان خدا قیام نموده، جهان را پس از آنکه از ظلم و جور و ستم آکنده گردیده باشد، از عدل و دادگری مالا مال سازد، و در زمان حکومت او امنیت و فراوانی نعمت دامن خواهد گسترد و همه مردمان از نعمت یک زندگانی سراسر سعادت‌مندانه بهره خواهند برد.

البته بخش مورد اختلاف اعتقاد فوق با عقیده شیعیان، یعنی به دنیا آمدن حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان را بسیاری از اعترافات صریح دانشمندان و بزرگان اهل سنت و جماعت نیز رد و نفی می‌نماید.

در میان آثار گوناگون دانشمندان سنی چند نمونه را انتخاب کرده به نظر خوانندگان محترم می‌رسانیم:

۱- سبط بن جوزی از علمای اهل سنت و جماعت در کتاب خویش تحت عنوان «تذکره خواص الامه» اینگونه عنوان می‌کند:

دوازدهمین امام و پیشوا، محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن ... علی بن ابی طالب بوده و کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم است. و اوست آخرین بازمانده خدا و صاحب

الزمان و قائم و منتظر و آخرین امام ... و او همان کسی است که رسول خدا فرمود: «در آخر الزمان مردی از خاندان من خروج می‌کند که اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من» زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.» اوست مهدی موعود.

۲- گنجی شافعی (شیخ محمد بن یوسف بن محمد) کتابی دارد به نام «البيان في اخبار صاحب الزمان». این نویسنده شافعی علاوه بر آنکه کتابی مستقل درباره حضرت ولی عصر عليه السلام نگاشته، در کتاب دیگری به نام «كفاية الطالب في مناقب علي بن ابي طالب» در باب هشتم قسمت ملحقات بعد از ذکر ائمه از فرزندان امیر المؤمنین عليه السلام و بعد از ذکر نام و القاب حضرت عسکری عليه السلام چنین گوید:

... و او فرزندش را جانشین خود قرار می‌دهد که همان امام منتظر باشد که صلوات خدا بر او باد.

۳- عبدالوهاب شعرانی در کتاب «اليواقيت والجواهر» مبحث ۶۵ در باب اموری که قبل از قیامت کبری باید واقع شود سخن می‌گوید و از جمله چنین بیان می‌دارد:

از جمله اموری که باید قبل از قیامت اتفاق افتد خروج مهدی عليه السلام است که آن بزرگوار از فرزندان امام حسن عسکری عليه السلام است و تولد او شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ می‌باشد. و او باقی است تا با عیسی بن مریم گرد آید.

۴- حافظ محمد بن محمد بخاری معروف به خواجه پارسا در کتاب خویش موسوم به «فصل الخطاب» چنین گوید:

و ابو محمد الحسن العسكري ولده م ح م د رضی الله عنهما
معلوم عند خاصّة اصحابه و ثقات ائله .

یعنی : و ابو محمد حسن عسکری فرزندش محمد - که خداوند
راضی می باشد از هر دو آنها - است و نزد خواص اصحاب و افراد
مورد اعتماد خود ، مشخص و شناخته شده است .

۵- شیخ سلیمان حنفی قندوزی در کتاب خویش به نام « بتایع
المودّه » ص ۴۵۲ چنین گوید :

و نزد افراد مورد اعتماد ، محقق و مسجّل است که ولادت
قائم علیه السلام در شب پانزدهم سال ۲۵۵ در شهر سامرا انجام
پذیرفته است .

۶- دانشمند دیگر عامّه شیخ محمد بن ابراهیم خموی شافعی در
« فرائد السمطین » از قول حضرت رضا علیه السلام چنین نقل می کند :

امام پس از من فرزندم جوادالتقی و پس از او فرزندش علی
التقی و بعد از وی حسن العسکری و پس از او مهدی المنتظر
است که اطاعت از او در زمان غیبت همانند زمان ظهور واجب
است .

۷- نویسنده دیگر اهل سنت و جماعت یعنی سید مؤمن بن حسن
شبلنجی در کتاب « نور الابصار » باب دوم ص ۱۵۲ چنین
می نگارد :

در ذکر مناقب محمد بن الحسن بن ... علی بن ابی طالب .
مادرش امّ ولد بود که به ایشان نرجس و صقیل و سوسن هم
گفته می شود . و کتیه اش ابوالقاسم است . و شیعه امامیه ایشان

را حجّت و مهدی و قائم و منتظر و صاحب الزمان لقب داده‌اند
که مشهورترین لقب ایشان مهدی است .

۸- محمد بن شحنه حنفی در کتاب تاریخ خویش موسوم به
« روضة المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر » جلد اول ص ۲۹۴
اینگونه آورده است :

و برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا آمد که
دوازدهمین ائمه است و به او مهدی و قائم و حجّت و محمد
گفته می‌شود . و تولّد وی در سال ۲۵۵ اتفاق افتاده است .
پس روشن می‌گردد که اعتقاد به وجود امامی که در سال ۲۵۵ به
دنیا آمده و هم اکنون نیز در قید حیات است و در آینده به فرمان
حضرت حق جل و علا ظهور کرده و جهان را به نور عدالت و توحید
منور خواهد نمود ، خاصّ ما شیعیان نیست ، بلکه تعدادی از
دانشمندان اهل سنت و جماعت نیز به وقوع ولادت و دیر زستی این
بزرگوار اقرار و اعتراف نموده‌اند .

مهدویت در نگاه تشیع

در کتابهای شیعه در این زمینه در ابواب و فصول گوناگون، از تمام
ابعاد متنوع و حتی فروعات مسأله بسیار مهمّ مهدویت گفتگو به میان
آمده و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی و برقرارکننده عدالت و
دادگری همگانی و برافرازنده پرچم توحید و یکتاپرستی ، به تمام
خصوصیات و ویژگیها معرفی گردیده است . از جمله اموری که

درباره این شخصیت والا و عالی مرتبت ذکر شده می توان این موارد را برشمرد :

- وی از فرزندان رسول اکرم (ص) و حضرت زهرا ی اطهر است .
- فرزند دهم حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است .
- فرزند نهم حضرت حسین بن علی علیه السلام است .
- فرزند هشتم حضرت علی بن الحسین علیه السلام است .
- فرزند هفتم حضرت محمد بن علی الباقر علیه السلام است .
- فرزند ششم حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است .
- فرزند پنجم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است .
- چهارمین فرزند حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است .
- سومین فرزند حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام است .
- دومین فرزند حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام است .
- فرزند بلا فصل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است .
- مادر گرانقدر وی ، علیا حضرت نرگس خاتون می باشد .
- تولد وی در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامراء در امامت سرای حضرت عسکری علیه السلام واقع گردیده است .
- دوران حمل و نیز وضع حمل حضرتش در اختفای کامل صورت پذیرفته است .
- در پنج سالگی پس از شهادت پدر بزرگوارش حضرت عسکری علیه السلام مسئولیت امامت به عهده حضرتش محول می گردد .
- دارای عمری بسیار طولانی است بدون آنکه گذران عمر بر حضرتش اثری داشته باشد .

- وی دارای دو غیبت است :

۱- غیبت کوتاه مدت به مدت ۶۹ سال .

۲- غیبت بلند مدت که تاکنون ادامه دارد .

- زمان ظهور آن حضرت مشخص نیست و هر هنگام که خدا

اجازه فرماید از مسجدالحرام قیام فرموده ، به نیروی الهی جهان را
مسخر نماید و حکومت عدل الهی را استقرار بخشد .

- در زمان غیبت بلند مدت آن حضرت فقیهان وارسته و مجتهدان

متقی شیعیان را در اموری که پیش خواهد آمد هدایت و راهبری
خواهند نمود .

- در دوران غیبت آن حضرت باید اموری را مد نظر قرار داد ؛ از

آن جمله خودسازی و آراستگی به مکارم اخلاقی و فضایل معنوی و
اسلامی ، فکر شیعیان بودن و در رفع مشکلات و معضلات آنان گام
برداشتن ، و از همه مهمتر برای این مهم ، یعنی قیام شکوهمند
حضرتش ، دعا کردن ؛ که خود آن بزرگوار فرموده اند :

« برای تعجیل در فرج من بسیار دعا کنید . زیرا که دعا کردن

شما بر فرج من باعث فرج خود شما خواهد بود . »

به امید آنکه خدای سبحان به دعاهاى خالصانه دلدادگان ظهور

ترتیب اثر داده ، ظهور و فرج آن تنها پناه شیعه و تنها امید مستضعفان
جهان را هر چه زودتر مقرر فرماید .

خود را پیاز مانید :

- ۱- آن شخصیت الهی برای سامان دادن جهان چه سلاحهایی در اختیار دارد؟
- ۲- سرانجام جهان بنا به آنچه در کتب آسمانی و غیر آسمانی آمده متعلق به کیست؟
- ۳- موعودی که پیروان حضرت زردشت در انتظار اویند چه نام دارد؟
- ۴- پیروان حضرت عیسی علیه السلام در انتظار چه واقعه‌ای هستند؟
- ۵- اعتقاد اهل تسنن را طبق آنچه در کتابهای معتبرشان آمده است در مورد حضرت مهدی (عج) به طور مختصر بنویسید.
- ۶- شیعیان در زمان غیبت حضرت به چه کارهایی توصیه شده‌اند؟